

تبارشناسی نگاره‌های قدرت فره ایزدی در اسطوره‌های شاهنامه با تکیه بر نظریات

میشل فوکو

چکیده

تمدن و فرهنگ ملت‌ها از مؤلفه‌هایی همانند اصالت، مدنیت و آرمان‌گرایی شکل می‌گیرد و با قدرت سیاسی و اجتماعی پایدار می‌ماند. قدرت رابطه‌ای اجتماعی است و ادبیات اسطوره‌ای و حماسی، بهترین گزینه برای آشنایی با تمدن و فرهنگ مردمانی است که در بطن تاریخی خود اساطیر و پادشاهان نامداری داشته‌اند. اساطیر، سرچشمه جهان‌بینی و آمال یک قوم یا نژاد هستند. فره ایزدی و اثرات قدرت این فره نیز یکی از این آبخش‌های باستانی است. آرای تبارشناسی فوکو به بن‌مایه‌های تاریخ نظر دارند و رد قدرت را پیگیری می‌کند، ولی تفاوت ماهوی و ذاتی آن‌ها با روش‌های تاریخی کاملاً محسوس است. فوکو معتقد است: قدرت، امری مولد است و هویت و ذهنیت را تولید می‌کند. از نظر او قدرت صرفاً از یک منبع نشأت نمی‌گیرد و نمی‌توان فقط دولت یا پادشاهان را منشأ ایجاد قدرت دانست. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در تبارشناسی اساطیر، به چگونگی پیدایش، زایش و خاستگاه نظم حاکم بر جهان توجه می‌شود اما از نگاه فوکو هیچ‌کس نمی‌تواند از قدرت بگریزد، هرچند ردپای قدرت را نمی‌توان تنها در یک فرد، پادشاه، حکومت یا دیکتاتور جست‌وجو کرد. قدرت در همه سطوح و زوایای اجتماعی پخش و گسترده است. این پژوهش در پی آن است که براساس آرا تبارشناسانه میشل فوکو دانشمند فرانسوی اثرات «قدرت فره ایزدی» را در بین برخی اساطیر شاهنامه بررسی کند. در این میان بخش‌های مهمی از این اثرات در برخی نگاره‌های نسخ مصور مشهود است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اثرات قدرت فره ایزدی اساطیر شاهنامه با تکیه بر نظریه میشل فوکو.

۲. بررسی تبارشناسی قدرت فره ایزدی در نگاره‌های شاهنامه.

سؤالات پژوهش:

۱. براساس نظریه میشل فوکو اثرات قدرت فره ایزدی چه بازتابی در برخی اساطیر شاهنامه دارد؟

۲. تبارشناسی قدرت فره ایزدی در نگاره‌های مربوط به اساطیر شاهنامه چگونه است؟

کلیدواژه‌ها: تبارشناسی، فره ایزدی، قدرت، فوکو، نگاره‌های شاهنامه.

مقدمه

مکتب‌های مختلف اسطوره‌شناسی، اسطوره‌ها را براساس دیدگاه خاص خود تحلیل می‌کنند و غالباً تصور آن‌ها از خاستگاه اسطوره‌ها و تحلیل آن‌ها از داستان‌های اساطیری فاصله زیادی از هم دارد. مسئله مهم در این جا این است که انسان آغازین نبردی دشوار با طبیعت قرار داشته است. انسان ادوار باستانی به صورت مدام با مسئله تولد، گذران زندگی و مرگ در پیوند بوده، بی‌آنکه دلیل خاصی برای این اتفاقات در نظر داشته باشد. اگر بخواهیم به صورت ساختاری و علمی به این مقوله بپردازیم باید به تبارشناسی این اساطیر پرداخت. تبارشناسی رد و اثر قدرت را کاوش می‌کند و به پیامدهای آن می‌پردازد، به نظر می‌رسد به زعم پژوهشگران ایران و جهان، تبارشناسی به منزله تحلیل مبدأ در محل اتصال بدن و تاریخ است که در آن خانواده از شکل هسته‌ای مانند اولیه در دوران شکار، با ورود به عصر کشاورزی و کاسته شدن از تحرک و جابه‌جایی، شکل گسترده به خود می‌گیرد. خانواده و تبارشناسی اسطوره‌ها در شاهنامه، یکی از منابع با ارزش برای شناخت رویدادها و پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی است. ماکس وبر می‌گوید: «قدرت یعنی تحمیل اراده کسی بر دیگران». با این تعریف، می‌شود بیان کرد که در تحلیل قدرت با دو کس در جامعه سروکار داریم؛ یکی کسی که اراده خود را بر دیگران تحمیل می‌کند و دیگری کسی که تسلیم این تحمیل می‌شود. پس قدرت رابطه‌ای اجتماعی است (رحیمی، ۱۳۶۹: ۱۱). امروزه شاهنامه حکیم توس را از اصلی‌ترین منابع برای فهم و کشف تبارشناسی و خاستگاه‌های متفاوت دوره‌های اساطیری و قبل از اسلام می‌دانند. یکی از این باورها قدرت فره ایزدی و اثرات بر خویش‌کاری‌ها و کارکردهای شخصی و جمعی اساطیر است.

تبار و خاستگاه اسطوره‌ها به عنوان یک اصل مهم در ساختار تاریخی و اجتماعی اساطیر محسوب می‌شود، زیرا اسطوره‌شناسی یک علم نظام‌مند محسوب می‌شود. اثر قدرت در تبارشناسی نیز یکی از رایج‌ترین مفاهیم در علوم انسانی است. می‌توان گفت قدرت، پنهان در روابط اجتماعی است و جامعه به واسطه قدرت، نظم می‌گیرد. در نگرش سیاسی و فلسفی عمومی معاصر، قدرت همواره معادل حکومت و در گذشته، قدرت معادل اسطوره‌ها و پادشاهان تلقی شده است. فوکو نظریات خاصی در این زمینه دارد و برداشت دیگران از قدرت را نوعی توهم می‌داند و اظهار می‌دارد، نباید قدرت را به عنوان امتیازی که تصاحب و تملک می‌شود در نظر گرفت؛ بلکه باید آن را به منزله شبکه‌ای از مناسبات دانست که همواره در حال گسترش و فعالیت است. در این پژوهش، تلاش خواهد شد تا اثرات قدرت فره ایزدی در شاهنامه فردوسی و نگاره‌های آن، براساس دیدگاه تبارشناسانه میشل فوکو و تأثیرپذیری اساطیر از این قدرت در نظم و انسجام جامعه آن دوره بررسی و کاوش شود.

پژوهش‌هایی که درباره فوکو انجام شده است از قبیل نوابخش و کریمی (۱۳۸۸) در مقاله «واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو»، به تبیین قدرت از دیدگاه فوکو پرداخته است. همچنین فتاحی در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو»، تلاش کرده است تا به بررسی نظریه قدرت، دانش، رژیم حقیقت در چارچوب مفهوم گفتمان بپردازد. درباره شاهنامه و اساطیر آن پژوهش‌های بسیاری انجام گرفته است. مهرداد بهار با آثار مهمی چون «پژوهشی در اساطیر ایران»، «جستاری چند در فرهنگ ایران» و «از اسطوره تا تاریخ» خدمتی شایان نموده است. همچنین باید از ترجمه احمد تفضلی به کوشش دکتر ژاله آموزگار با نام «مینوی خرد» نیز باید نام برد. در میان پژوهش‌های زبان فارسی می‌توان به کتاب «تراژدی قدرت در شاهنامه» از مصطفی رحیمی اشاره کرد که به دو داستان مشخص در حوزه قدرت و پیامدهای آن پرداخته است.

نتیجه‌گیری

معمولاً شاهنامه به‌عنوان متنی تاریخی معرفی می‌شود که دربارهٔ تاریخ ایران باستان اطلاعات خوبی می‌دهد، اما با احتساب نظریات نیچه و فوکو شاهنامه قطعاً متنی تبارشناسانه است نه تاریخی؛ زیرا خیلی از نظریات این بزرگان علوم اجتماعی در شاهنامه می‌توان یافت؛ اول اینکه مسئله مهم در شاهنامه تبار ایرانی و انحطاط یافتن آن است و دوم به نگاهی به تاریخ فرادستانه است نه فرودستانه. در شاهنامه نشان‌چندانی از مردم عادی نمی‌بینیم زیرا شاهنامه روایت کردارها و گفتارهای دو طبقه است که تحت تأثیر قدرت در فکر دفاع و جنگ در راه ایران است. تبارشناسی علاوه‌بر اینکه رد و اثر قدرت را دنبال می‌کند و پیگیر پیامدهای آن است؛ ردپای اثرات نیاکان را نیز پیگیری می‌کند. در شاهنامه قلمرو اعمال قدرت فره‌ایزدی در زندگی اساطیر مشهود است؛ زیرا قدرت فره و اثرات آن ابزاری می‌شود برای مشروعیت‌بخشیدن به قدرت اساطیر و شاهان شاهنامه. بنابراین قدرت سیاسی در ظاهر، پوششی از ملاطفت و خیرخواهی در بردارد، اما در باطن شوم و منفعت طلب است؛ براساس دیدگاه فوکو اسطوره، هدف و نشیمن گاه اصلی قدرت با همراهی فره است، قدرت باید از سوی او به ظهور برسد، بنابراین او تبدیل به ابزار قدرت می‌شود نه صاحب قدرت؛ وقتی این ابزار از مسیر خارج شود فره از او جدا می‌شود. در دیدگاه فوکو هیچ قدرتی بدون دانش و هیچ دانشی بدون قدرت وجود ندارد. فردوسی اما دانش را معادل آگاهی و دانایی می‌داند و فره را لایق اسطوره و پادشاه دانا و اهورایی می‌شناسد و در ابیات شاهنامه، اساطیر و پادشاهان تازمانی که بر مدار دانش و آگاهی و دانایی گام بردارند، از اثرات قدرت فره برخوردارند. از دیدگاه فوکو تبارشناسی قدرت دو بازوی مهم دارد؛ یکی تحلیل مبداء و دیگری تحلیل پدیداری. مبداء فره‌ایزدی در شاهنامه آفرینش به‌دست اهورامزداست و و پدیداری آن در سطح عملکرد اساطیر که به‌وسیلهٔ نبرد نیروهای خیر و شر مشخص و تبیین می‌شود.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۴). تاریخ اساطیری ایران. تهران: سمت.
- آموزگار، ژاله. (۱۳۹۰). زبان، فرهنگ، اسطوره، تهران: انتشارات معین.
- استروس، لوی. (۱۳۸۱). اسطوره و معنا، ترجمه شهرام خسروی، تهران: نشر مرکز.
- اسمارت، بری. (۱۳۸۵). میشل فوکو، ترجمه چاووشیان وجوافشانی، تهران: نشر کتاب آمه.
- اسماعیل‌پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). «اسطوره کیخسرو در شاهنامه»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۴۱). تاریخ بلعمی، تصحیح محمدتقی بهار، محمد گنابادی، تهران، زوار.
- بویس، مری. (۱۳۷۵). تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، نشر توس: تهران.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۶). از اسطوره تا تاریخ، گردآورندهٔ ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران، نشر چشمه.
- پور داوود، ابراهیم. (۱۳۷۷). یشت‌ها. تهران: اساطیر.
- خالقی، احمد. (۱۳۸۵). زبان، قدرت و زندگی روزمره. تهران: نشر گام نو.
- دادگی، فرنېغ. (۱۳۶۱). بندهشن. ترجمه: مهرداد بهار. تهران: نشر توس.
- دریغوس، هیوبرت و رابینو، پل. (۱۳۷۶). میشل فوکو، فراساختارگرایی و هرمنوتیک. ترجمه: حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- رحیمی، مصطفی. (۱۳۶۹). تراژدی قدرت در شاهنامه. تهران: انتشارات نیلوفر.

روزن‌بام، هایدی. (۱۳۶۷). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه. ترجمه: محمد صادق مهدوی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

زادسپریم. (۱۳۶۶). گزیده‌های زادسپریم، ترجمه: محمدتقی راشد محصل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زینر، رابرت چارلز. (۱۳۷۵). زروان یا معمای زرتشتی‌گری، ترجمه: تیمور قادری، تهران: انتشارات فکر روز.

شرت، ایون. (۱۳۸۷). هرمونوتیک، تبارشناسی و نظریه انتقادی از یونان باستان تا قرن بیست و یکم. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). شاهنامه، طبق نسخه ژول مل. تهران: انتشارات الهام.

فوکو، میشل. (۱۳۹۰). دیرینه‌شناسی دانش. ترجمه: نیکو سرخش و افشین جهان‌دیده، تهران: نشر نی.

فوکو، میشل. (۱۳۸۱). نیچه، تبارشناسی و تاریخ. ترجمه: نیکو سرخوش و جهان‌دیده، تهران: نشر نی.

فوکو، میشل. (۱۹۷۱). «قدرت». ترجمه: عزت الله فولادوند، مجله نگاه نو، شماره ۱۷، صص ۴۵-۶۰.

قائمی، فرزاد. (۱۳۹۰). «تحلیل انسان شناختی اسطوره فره و کارکردهای آن در شاهنامه و اساطیر ایران». فصلنامه جستارهای ادبی، شماره ۳، صص ۱۴۸-۱۱۳.

قهرمانی، مریم. (۱۳۹۳). ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان رویکرد جامعه‌شناختی. تهران: نشر علم.

کاسیرر، ارنست. (۱۳۶۷). زبان و اسطوره. ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: نشر قطره.

کریستن سن، آرتور. (۱۳۸۹). نخستین انسان و نخستین شهریار، ژاله آموزگار. تهران: نشر چشمه.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۸۸). رؤیا، حماسه، اسطوره. تهران: انتشارات نشر مرکز.

کچوئیان، حسین. (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه‌شناسی دانش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

وکیلی، شروین. (۱۳۸۹). اسطوره‌شناسی پهلوانان ایرانی. تهران: انتشارات پازینه.

مینوی خرد. (۱۳۷۹). ترجمه احمد تفضلی. تهران: توس.

نوابخش، مهرداد و کریمی، فاروق. (۱۳۸۸). «واکاوی مفهوم قدرت در نظریات میشل فوکو». فصلنامه مطالعات سیاسی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۴۴-۴۹.

وارنر، رکس. (۱۳۸۶). دانشنامه اساطیر جهان. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: اسطوره.

هینلز، جان. (۱۳۶۸). شناخت اساطیر ایران. ترجمه احمد تفضلی و ژاله آموزگار. تهران: چشمه.

یارشاطر، احسان. (۱۳۷۳). «تاریخ ملی ایران». تهران: انتشارات امیرکبیر.

یورگنس، ماریان و فیلیپس، لوئیز. (۱۳۹۲). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، چاپ سوم، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.